

مبارزات طبقاتی در ایران و نقش و شرکت دانشجویان در این مبارزات

دانشجویان در ایران تاکنون در اشکال مختلف مبارزات طبقاتی نقش و شرکت گستره ای داشته اند. اما دانشجویان بدون تشکل مستقل خود و بدون مشخص کردن و مطرح کردن خواسته‌های خود به عنوان یک قشر اجتماعی در این مبارزات شرکت کردند و یا اینکه اگر مبارزاتی را هم برای خواسته‌های خود پیش بردند بسیار ناچیز و بصورت غیر متشکل بوده و همواره مبارزاتشان بخاطر همین نامشخص بودن خواسته‌های سیاسی و اقتصادی شان و غیرمتشکل بودنشان در تشکل مستقل خود در نهایت نتیجه مبارزاتشان بنفع طبقات ارتجاعی و بورژوائی و خرده بورژوائی تمام شد. انقلاب سال ۱۳۵۷ هجری شمسی یک نمونه مشخص تاریخی است که با بررسی نقش و شرکت دانشجویان آن دوره در مبارزات طبقاتی این ضعفها را بوضوح در مبارزات دانشجویان میتوان مشاهده کرد، یعنی بخاطر نداشتن تشکل مستقل دانشجویی از یک طرف و از طرف دیگر بخاطر درنظر نگرفتن و مشخص نکردن خواسته‌های سیاسی و اقتصادی خود بعنوان دانشجو در مبارزات طبقاتی انقلاب ۱۳۵۷ در به قدرت رساندن نیروها و طبقات ارتجاعی نقش مؤثری را اکثریت دانشجویان ناخواسته ایفا کرده اند روشن خواهد شد.

از آنجائی که کارگران و زحمتکشان ایران بعنوان بی حقوق ترین و کم درآمدترین طبقه ایران هستند بطور اتوماتیک فرزندان آنها (دانشجویان) نیز از این وضعیت نابسامان والدین خود بسیار زیاد تحت فشار اقتصادی و سیاسی قرار میگیرند و ناچاراً بعنوان یک قشر اجتماعی در جامعه به مبارزات سیاسی سوق داده میشوند. بنابراین دانشجویان بعنوان یک قشر اجتماعی در ایران بخاطر غیر متشکل بودن در تشکل مستقل محلی و سراسری همواره بخشی از آنها یا دنباله رو جریانات و تشکل های سیاسی بورژوائی و خرده بورژوائی حتی بخش ارتجاعی آن میگردند و یا کل مبارزات دانشجویان بنفع این نوع جریانات و تشکل های سیاسی خاتمه می یابد. در یک کلام متأسفانه تاکنون بطور علی العموم اکثریت دانشجویان همواره در مبارزات طبقاتی در ایران جزو سیاهی لشکر احزاب و سازمانهای ارتجاعی، بورژوائی و خرده بورژوائی بودند.

و از آنجائی که دانشجویان در تولید کردن در جامعه نقشی ندارند یعنی در دوره تحصیل کردن جزو توده مصرف کننده هستند بسهولت در مواقع اعتراضی و مبارزاتی زیر ضرب رژیم های ارتجاعی و استبدادی قرار میگیرند. زیرا با دستگیر کردن صدها یا حتی هزاران دانشجو مبارز هیچ صاحب زمین، کارخانه و یا معدنی در معرض خطر قرار نمی گیرد و به همین دلیل بسیار ساده اما پرمعنی، رژیم های ارتجاعی هیچ ترسی از دستگیر کردن و به زندان انداختن دانشجویان را به خود را نمی دهند.

زمانی دستگیر کردن، به زندان انداختن و شکنجه و اعدام دانشجویان غیرممکن خواهد شد که کارگران و زحمتکشان ایران در سطح محلی و سراسری خود را در تشکل های مستقل طبقاتی خود سازمان داده باشند تا توانایی جلوگیری از هر حرکت ارتجاعی و استبدادی را داشته باشند این از یک سو و از

سوی دیگر دانشجویان بایستی بعنوان یک قشر اجتماعی در جامعه در دوره تحصیل کردنشان که جزو تولیدکنندگان و زحمتکشان بعد از قطع و یا اتمام تحصیلات در سطوح مختلف هستند خود را در شکل مستقل دانشجویی خود (اتحادیه ها) در سطح محلی و سراسری برای پیش بردن مبارزات سیاسی و اقتصادی خود سازمان دهند و همچنین بتوانند متشکلاً در سطح محلی و سراسری از مبارزات کارگران و زحمتکشان در جامعه پشتیبانی نموده و در مبارزاتشان شرکت نمایند. چرا پشتیبانی و شرکت در مبارزات کارگران و زحمتکشان؟ چونکه این دیگر عملاً ثابت شده است که زمانی دانشجویان میتوانند همچون دیگر اقشار محروم جامعه به خواست های خود نائل آیند که کارگران و زحمتکشان بصورت یک طبقه حاکمه ارتقاء یابند و دموکراسی را به کف آورند. بنابراین پیروزی دانشجویان در گرو پیروزی کارگران و زحمتکشان در مبارزات طبقاتی شان است. همچنین دانشجویان در این مبارزه طبقاتی میتوانند بعنوان رابط مؤثر تشکیلاتی بین پیشروان کارگران یک محل با محل دیگر واقع گردند، یعنی کوشش نمایند که کارگران و زحمتکشان هر چه سریعتر بصورت یک طبقه در سراسر ایران متشکل شوند و قدرت سیاسی را تصرف کنند. زیرا قدرت گیری سیاسی کارگران و زحمتکشان یک شرط اساسی پیروزی مردم محروم جامعه ایران بر استبداد و ارتجاع است.

اتحادیه مارکسیستها برای نابودی نظام ارتجاعی و استبدادی حاکم در جهت برقراری دموکراسی و سوسیالیسم مبارزه میکند و از هر جنبش اجتماعی که در مبارزات خود در کنار مبارزات کارگران و زحمتکشان برای رسیدن به دموکراسی و سوسیالیسم قرار گیرد استقبال میکند. برای پیروزی بر استبداد و ارتجاع این کارگران و زحمتکشان هستند که بایستی در رأس مبارزه طبقاتی و پرچم دار مبارزاتی متشکل همه طبقات محروم قرار گیرند نه برعکس، یعنی بایستی دیگر طبقات و اقشار محروم جامعه از سیاست ها و برنامه کارگران و زحمتکشان پیروی نمایند نه برعکس.

اتحادیه مارکسیستها تلاش میکند که کلیه مبارزات مردم محروم ایران در این جهت یعنی برای نابودی نظام ارتجاعی و استبدادی و برقراری نظام دموکراتیک و سوسیالیستی سوق یابد، زیرا بدون برقراری قانون اساسی دموکراتیک در جامعه خبری از تغییر و تحول اقتصادی و سیاسی به نفع کارگران و زحمتکشان و دیگر اقشار محروم جامعه نخواهد بود. حتی اگر رژیم ارتجاعی و استبدادی حاکم سرنگون گردد.

تشکل ها و جریانها با اهداف ارتجاعی و استبدادی غیرحاکم که اکثراً از نظر جایگاه طبقاتی خرده بورژوازی و بورژوازی هستند همواره میکوشند که بعد سرنگونی رژیم ارتجاعی و استبدادی حاکم که توسط کارگران و زحمتکشان و دیگر اقشار محروم جامعه سرنگون خواهد شد جهت حفظ نظم استبدادی و ارتجاعی تحت عنوان حکومتی دیگری جایگزین آن گردند. باید این نوع تشکل ها را شناخت و افشاء و علیه آنها به موازات مبارزه با رژیم استبدادی و ارتجاعی حاکم مبارزه کرد. یکی از مشخصه اصلی این نوع جریانها مخالفت آنها با برقراری مناسبات دموکراتیک در جامعه است و یا بصورت

سطحی و گنگ و یا در حد بورژوا پسند از دموکراسی حرف میزنند و یا مینویسند. بایستی بطور جدی با این نوع تشکل‌ها مبارزه شود.

احتمالاً سؤال شود که به چه دلیلی این نوع تشکل‌ها مخالف برقراری قوانین دموکراتیک در جامعه هستند؟ پاسخ بسیار ساده است. زیرا این طیف با برقراری قوانین دموکراتیک در جامعه نابودی تفکر ارتجاعی، غیرعلمی، غارتگری و استثمارگری خود را همراه با نابودی نظام استبدادی و ارتجاعی میبینند. و در واقع چنین است.

بنابراین هر تشکل سیاسی که ادعای تغییر و تحول سیاسی و اقتصادی پایه‌ای در ساختار جامعه را دارد بایستی قوانین دموکراتیک را بپذیرد. بعنوان نمونه: جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش؛ آزادیهای بی قید و شرط سیاسی اعم از بیان، قلم، عقیده، تحصن، انتخابات، راهپیمائی، اعتصابات، تشکل (احزاب، سازمانها، اتحادیه‌ها و شوراها و غیره)؛ تبعیت اقلیت از اکثریت؛ برابری حقوقی ملل؛ برابری حقوقی زن و مرد؛ پرداخت حقوق بیکاری و بازنشستگی به بیکاران و بازنشستگان اعم از زن و مرد به تناسب تورم؛ تحصیل رایگان تا عالی‌ترین سطوح؛ بهداشت و درمان رایگان برای همه اعضای جامعه و غیره و غیره جزو بخش کوچکی از اصول اساسی دموکراتیک هستند که بایستی پذیرفته شود (مطالبات دموکراتیک در برنامه تحت عنوان «فراخوان سازمانیابی تشکل مستقل کارگری و اتحاد عمل تشکل‌های انقلابی»، چاپ چهارم، بطور مشخص درج شد). هر تشکلی که اصول پایه‌ای دموکراتیک را نپذیرد جزو همین قماش حاکم فعلی یعنی بورژوازی و خرده بورژوازی مرتجع حاکم میباید و باید با شدیدترین وجهی با آن مبارزه گردد.

نفی موازین دموکراتیک توسط هر تشکلی به معنی خواستار برقراری نظام استبدادی و ارتجاعی است حال این تشکل در هر شکل و لباسی ظاهر گردد. به عبارت دیگر نپذیرفتن قوانین دموکراتیک در عمل به معنی خواستار بهم نخوردن وضعیت سیاسی و اقتصادی موجود در ایران است، یعنی آن تشکل، جریان، نیرو و یا طبقه خواستار آنست که منابع طبیعی اعم از نفت، گاز، مس، طلا، نقره، آبها، جنگلها و غیره و بخش‌های کشاورزی و دامداری بزرگ، زمینها، کارخانجات و غیره در دست عده معدودی (یعنی خودشان) متمرکز گردد تا از این طریق بخشی از درآمدهای حاصله را به خود اختصاص داده و بخش دیگر را صرف هزینه‌های اوباشان سرکوبگر خود جهت حفظ نظم استبدادی و ارتجاعی خود همچون رژیم استبدادی و ارتجاعی حاکم نمایند، نه اینکه درآمدهای حاصله از این منابع عظیم ملی صرف همه مردم جامعه گردد. درست آنچه که در ایران فعلی حاکم است همین است یعنی سرمایه‌های ملی در دست یک باند سیاه و ارتجاعی جهت غارتگری و استثمار کارگران و زحمتکشان قرار دارد. بنابراین بایستی این وضعیت را متشکلاً برفع کارگران و زحمتکشان و دیگر اقشار محروم ایران جهت تغییر و تحول سیاسی و اقتصادی خرد کنیم. گام نخست اتحاد عمل کارگران و زحمتکشان و دیگر اقشار محروم ایران جهت سرنگونی رژیم استبدادی و ارتجاعی در جهت برقراری قانون اساسی

دموکراتیک است.

در یک تصویر کلی در جامعه دموکراتیک طبقات جامعه آزادانه در تشکل مستقل طبقاتی خود متشکل میگردند یعنی در تشکلی همچون احزاب، سازمانها، شوراها، اتحادیه ها و غیره متشکل میگردند و در انتخابات آزاد شرکت میکنند و هر کدام از این تشکل ها با بدست آوردن اکثریت آراء مردم رأی دهنده نظام حکومتی را تا انتخابات بعدی تعیین شده (حداقل هر چهار سال یک بار)، در دست میگیرند. حال این نظام در این مدت (۴ ساله) میتواند به شکل جمهوری سازمان یابد و یا هیئت وزیران و یا کمیته مرکزی و یا شورای نمایندگان کارگران و زحمتکشان و غیره. این شکل سازمان یابی دولتی و اداری را تشکل و یا تشکل هایی که منتخب اکثریت رأی دهندگان در انتخابات هستند بعد از انتخابات هر دوره تعیین میکنند، نه اینکه در قانون اساسی شکل سازمان دولتی از قبل برای ابد و برای همه تشکل های شرکت کننده در انتخابات تعیین شده باشد. تشکل ها در یک جامعه دموکراتیک طبق برنامه، اساسنامه و سیاستهای خود بعد از هر دوره انتخاباتی عمل میکنند، یعنی ساختار نظمی که قرار است در جامعه تشکیل شود را خود طبق برنامه و غیره تشکیلاتی خود سازمان میدهند. روشن است که هرگونه تغییر شکل نظام و اداره جامعه تغییر و تحول بنیادی اقتصادی را نیز بهمراه خواهد داشت. این روش تغییر و تحول اقتصادی و سیاسی باصرفه ترین و کم خرج ترین تغییر و تحول اقتصادی و سیاسی در جامعه است.

اما در دوره ای که استبداد و ارتجاع حاکم است لازمه تغییر و تحول سیاسی و اقتصادی اتحاد عمل حول برنامه و یا خواستههای مشخص تمامی اقشار محروم ذینفع در جامعه با کارگران و زحمتکشان جهت سرنگونی استبداد و ارتجاع حاکم در جهت برقراری قانون دموکراتیک در جامعه است تا زمینه انتخابات واقعی که صحبتش رفت به مورد اجرا گذاشته شود.

انتخابات برای انتخاب فرد (نه تشکل!!!) حال تحت عنوان رئیس جمهور باشد و یا نخست وزیر و یا رهبر و یا دبیر و یا تحت هر عنوان دیگری که باشد برای فریباندن مردم است. زیرا پشت سر آن فرد آن طبقه اصلی اجتماعی تصمیم گیرنده با اهداف برنامه ای آن وجود دارد که آشکار نیست و توده مردم بخصوص کارگران و زحمتکشان در چنین حالتی «انتظار» دارند که فرد انتخاب شده تغییر و تحولی را در نظام حاکم بنفع آنها ایجاد کند. اما تجربه چندین ساله رژیم حاکم نیز ثابت کرده است که با چنین روش انتخاباتی تغییر و تحولی بنفع کارگران و زحمتکشان صورت نمیگیرد. و هر وقت هم که هیچگونه تغییری ایجاد نشود و یا تغییر و تحول اقتصادی و حقوقی بضرر اکثریت مردم جامعه یعنی کارگران و زحمتکشان انجام گیرد در بهترین حالت همه کاسه و کوزه را همکاران او برای فریباندن مردم بر سر فرد انتخاب شده خورد میکنند تا علل اصلی آن یعنی آن طبقه اصلی اجتماعی و سازمانی که پشت سر آن فرد قرار گرفته و تصمیم گیرنده هستند آشکار نگردد و بدین طریق بتوانند با برکناری فرد انتخاب شده آن طبقه و یا تشکل مجدداً فرد دیگری را برای فریباندن مردم جایگزین

او نماید. و البته طبقه حاکمه یعنی بورژوازی همیشه موفق به چنین کاری در جامعه استبدادی میشود. وقتیکه طبقات آزادانه متشکل گردند و در انتخابات شرکت کنند و تشکلی و یا تشکل هایی توسط اکثریت مردم انتخاب شوند و زمام امور را در دست گیرند و در مدت حاکمیت تشکیلاتی خود علیه منافع اکثریت اعضای جامعه کار کنند همه تشکیلاتی که نظام دولتی را در دست دارند زیر ضرب خواهند رفت و توده مردم مجدداً آن تشکل ها را که البته مدافع منافع طبقات خاصی هستند را در انتخابات دوره بعد انتخاب نمی کنند و تشکل و یا تشکل های دیگری را که اهداف برنامه ای و سیاست آنها را میشناسند و بنفع خود میدانند انتخاب میکنند. بنابراین برای جلوگیری از فریباندن اکثریت مردم بایستی انتخابات آزاد تشکل ها (احزاب، سازمانها، اتحادیه و شورای سراسری کارگران و زحمتکشان) در جامعه وجود داشته باشد نه اینکه انتخابات برای انتخاب یک فرد.

انتخابات سلسله مراتب فردی برای هر تشکل طبقاتی در درون تشکیلات آن تشکل صورت میپذیرد نه در انتخابات سراسری جامعه. ازاینرو اصولی ترین و دموکراتیک ترین روش انتخاباتی در یک کشور این است که تشکل ها آزادانه در انتخابات شرکت کنند نه افراد.

اتحادیه مارکسیستها بعنوان تشکیلات مارکسیستی با تمام قوا در راستای نکات فوق مبارزه میکند. ما میدانیم که جدا از مرتجعین و مستبدین حاکم، طبقات و تشکل هایی هستند که ظاهراً جزو نیروهای اپوزیسیونی رژیم حاکم هستند اما بعلت ماهیت ارتجاعی شان در این صف مبارزه یعنی در جهت برقراری قانون اساسی دموکراتیک در جامعه قرار نمی گیرند و به هزار و یک بهانه در نفی دموکراسی قد علم کرده و علیه دموکراسی خواهی توده مردم مبارزه میکنند. درهر صورت مارکسیستها را باکی نیست. ما علیه چه با آن طبقه ارتجاعی که در حال حاضر در ایران حاکم است و چه با آن طبقات ارتجاعی که حاکم نیستند اما در خدمت برقراری و حفظ نظام استبدادی و ارتجاعی تلاش میکنند، تا به کف آوردن دموکراسی توسط کارگران و زحمتکشان ایران بعنوان یک طبقه و در جهت برقراری دموکراسی و سوسیالیسم با تمام نیرو مبارزه میکنیم.

در این رابطه اتحادیه مارکسیستها به دانشجویان بعنوان یک قشر اجتماعی محروم جامعه پیشنهاد میکند که کمیته ها، انجمن ها، گروه ها، دسته ها و غیره مخفی را سازمان دهند، آثار کارل مارکس، فریدریش انگلس و لنین را جهت ارتقاء دانش کمونیستی خود مطالعه نمایند و مبارزات روزمره خود را از طریق تشکل های علنی همچون اتحادیه و غیره همراه با کل دانشجویان پیش برند. در اینجا در همین رابطه مناسب دیدم که قطعنامه «حزب سوسیال دموکرات روسیه» تحت عنوان «درباره روش برخورد به دانشجویان» را بصورت ضمیمه بیاورم و خواندن این اثر را بخاطر اینکه راهنمای درستی در مبارزه طبقاتی در دوره تحصیلی است به دانشجویان توصیه میکنم.

نابود باد نظام استبدادی و ارتجاعی
برقرار باد نظام دموکراتیک و سوسیالیسم

* نویسنده: حجت برزگر

* تاریخ: ۱۳/۰۳/۱۳۸۳ (۲۰۰۴/۰۶/۰۲ میلادی)

* آدرس تماس با اتحادیه مارکسیستها از طریق پست الکترونیکی: nasim@comhem.se

* ضمیمه

۱۵- درباره روش برخورد به دانشجویان

۱۰ اوت ۱۹۰۳

کنگره دوم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه از تسریع فعالیت انقلاب در بین دانشجویان استقبال کرده و از تمام سازمانهای حزبی می خواهد که از هر طریق ممکن با کوششهای این دانشجویان در جهت تشکیل خود همگام شوند. کنگره توصیه می کند که تمام گروههای دانشجویی و محفلهای مطالعاتی اولاً در فعالیتهای خود به گسترش یک دیدگاه سوسیالیستی جامع و منسجم در بین اعضای خود اولویت بخشند تا آنان دانش کاملی از مارکسیسم، از یک سو، و پوپولیسم روسیه و اپورتونیسم اروپای غربی از سوی دیگر - بعنوان گرایشهای عمده مخالف یکدیگر در حال حاضر - کسب کنند؛ ثانیاً کوشش کنند پیش از دست یازی به فعالیتهای عملی، با سازمانهای سوسیال دموکراتیک ارتباط برقرار سازند تا از نظر آنها بهره مند شده و در صورت امکان از اشتباهات فاحش در آغاز کارشان اجتناب کنند.

﴿پایان﴾